

رابطه میان مدل شخصیتی هگزاکو، دینداری و بهزیستی فاعلی در دانشجویان ایرانی و لهستانی

The relations among the HEXACO model of personality, religiosity, and subjective well-being in Iranian and Polish college students

Naser Aghababaei

General Psychology

Agata Blachnio

The John Paul II Catholic University of Lublin

ناصر آقابابائی*

روانشناسی عمومی

آگاتا بلچنیو

دانشگاه کاتولیک جان پل دوم لوبلین

Abstract

Comprehensiveness of the Five Factor/Big Five model of personality has always been under question. Recent lexical and statistical research in various languages and cultures has shown that the personality structure could be well explained by a six factor model. These six factors comprised the HEXACO model, and are Honesty-Humility, Emotionality, eXtraversion, Agreeableness, Conscientiousness, and Openness to Experience. The purpose of this study was to investigate the relations among the HEXACO model of personality, subjective well-being (SWB), and religious orientation. Also, the current research has addressed the question of how much religion's relations to SWB indices (including happiness and life satisfaction) are due to personality factors. 224 Iranian and 222 Polish volunteer college students, after providing the demographics, completed the HEXACO Personality Inventory (HEXACO-60), Religious Orientation Scale-Revised (ROS-R), Subjective Happiness Scale (SHS), and Satisfaction with Life Scale (SLS). Results showed that, within both the Iranian and the Polish context, religiosity was associated positively with the Honesty-Humility, Agreeableness, and Conscientiousness factors. Honesty-Humility was the strongest personality correlate of religiosity. Also, within both contexts, eXtraversion was the strongest predictor of happiness and life satisfaction. Results also showed that the religiosity-SWB relation was positive, weak, and to some degree due to personality factors. This study introduced the HEXACO model of personality structure, as well as underlined the efficiency of this new model in predicting individual differences in two important areas of human life, religiosity and well-being.

Key words: personality, HEXACO, happiness, religion

چکیده

جامعیت مدل پنج عاملی شخصیت همواره مورد تردید بوده است. اخیراً پژوهش‌های واژگانی و آماری در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف نشان داده است که یک مدل شش عاملی می‌تواند به خوبی ساختار شخصیت را تبیین کند. این شش عامل در مدل هگزاکو گرد آمده‌اند و عبارتند از صداقت-فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، همسازي، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری. هدف این پژوهش بررسی رابطه میان مدل شخصیتی هگزاکو، بهزیستی فاعلی و جهت‌گیری دینی بود. پژوهش حاضر هم‌چنین به این پرسش پرداخته است که رابطه انواع دینداری با شاخص‌های بهزیستی فاعلی (شامل شادی و رضایت از زندگی) تا چه اندازه متأثر از عامل‌های شخصیت است. تعداد ۲۲۴ دانشجوی داوطلب ایرانی و ۲۲۲ دانشجوی داوطلب لهستانی پس از ارائه اطلاعات جمعیت‌شناختی، به پرسشنامه شخصیت هگزاکو-۶۰ (HEXACO-60)، مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی (ROS-R)، مقیاس شادی فاعلی (SHS) و مقیاس رضایت از زندگی (SLS) پاسخ دادند. نتایج نشان داد که در هر دو بافت ایرانی و لهستانی، عامل‌های صداقت-فروتنی، همسازي و وظیفه‌شناسی با دینداری درونی رابطه مثبت داشت. صداقت-فروتنی نیرومندترین عامل شخصیتی همبسته با دینداری بود. هم‌چنین در هر دو بافت، برون‌گرایی نیرومندترین پیش‌بینی کننده شادی و رضایت از زندگی بود. نتایج هم‌چنین نشان داد که رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی مثبت، ضعیف و تا اندازه‌ای ناشی از عامل‌های شخصیت بود. پژوهش حاضر، ضمن معرفی مدل هگزاکو از ساختار شخصیت، کارایی این مدل جدید را در پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در دو عرصه مهم از زندگی انسان یعنی دینداری و بهزیستی برجسته ساخت.

واژه‌های کلیدی: شخصیت، هگزاکو، شادی، دین

*نشانی پستی نویسنده: تهران، دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. پست الکترونیکی: naseragha@gmail.com

مقدمه

تعداد صفات^۱ شخصیت و رده‌بندی آنها از مسایل اساسی در روانشناسی شخصیت است. سه رویکرد برای شناسایی و رده‌بندی مهم‌ترین صفات عبارتند از: رویکرد واژگانی، رویکرد نظریه‌ای و رویکرد آماری. در رویکرد آماری با روش‌هایی چون تحلیل عاملی به یافتن صفات مهم شخصیتی پرداخته می‌شود. در رویکرد نظریه‌ای، نظریه تعیین می‌کند کدام صفت مهم است. رویکرد واژگانی بر این فرض استوار است که صفات مهم در زبان طبیعی انسان‌ها وجود دارند. مردم به صفات مهم توجه دارند و برای آنها واژه‌هایی را وضع می‌کنند زیرا با استفاده از آنها می‌توانند افراد را توصیف کنند و درباره آنها تبادل اطلاعات کنند. پژوهشگران غالباً از ترکیب این سه رویکرد استفاده می‌کنند. مثلاً مدل پنج عاملی، ترکیبی از دو رویکرد واژگانی و آماری است (جان، ناومان و سوتو، ۲۰۰۸).

آلپورت و ادبرت (۱۹۳۶) نخستین گام را در استخراج صفات از واژه‌نامه و دسته‌بندی آنها انجام دادند. آن دو، واژه‌های توصیف‌کننده شخصیت را این‌گونه دسته‌بندی کردند:

- ۱- صفات پایدار ۲- حالت‌های گذرا ۳- ارزیابی اجتماعی
- ۴- اصطلاح‌های استعاره‌ای، بدنی و مبهم. کتل^۲ (۱۹۴۳)؛ به نقل از جان و همکاران، (۲۰۰۸) ۴۵۰۰ صفت پایدار آلپورت و ادبرت را در ۳۵ طبقه قرار داد. فیسکه^۳ (۱۹۴۹)؛ به نقل از گلدبرگ، (۱۹۹۵) از ۳۵ طبقه یاد شده، ۲۲ تا را گرفت و برای نخستین بار در یک پژوهش محدود آنها را در ۵ عامل جای داد. توپس و کریستال (۱۹۶۱) در هشت پژوهش متفاوت توانستند ۲۲ طبقه را در ۵ عامل قرار دهند. پس از آن به ویژه در دهه هشتاد و نود، ساختار پنج عاملی توسط پژوهشگران متعدد تکرار شد. تا سال ۲۰۰۰، مدل پنج عاملی پرتعدادترین طبقه‌بندی شخصیت شده بود. گرچه، همواره در مورد پنج عامل هم دست کم دو مساله مهم وجود داشته است. نخست آن که ماهیت عامل پنجم (که ما از آن با نام تجربه‌پذیری^۴ یاد می‌کنیم) در زبان‌های مختلف متفاوت به دست آمده است.

حتی درباره نام این عامل پنجم اتفاق نظر نیست. مساله دوم و مهم‌تر جامع بودن پنج عامل است. طبق مدل پنج عاملی، صفات بزرگ عبارتند از برون‌گرایی^۵، نورزگرایی^۶، وظیفه‌شناسی^۷، همسازی^۸ و تجربه‌پذیری. اما پژوهشگران بیان داشته‌اند که این پنج عامل همه صفات مهم را پوشش نمی‌دهند و فراتر از این پنج عامل، صفات مهم دیگری هم وجود دارند (وسلکا، شرمر و ورنن، ۲۰۱۲).

طی دو دهه گذشته، پژوهش‌های واژگانی در زبان‌هایی غیر از انگلیسی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش‌ها شباهت‌هایی با ساختار پنج عامل داشت. با این حال، تفاوت‌هایی در بین زبان‌ها آشکار شد. یکی از این تفاوت‌ها به ظهور عامل ششمی انجامید که در پژوهش‌های اولیه در زبان انگلیسی ظهور نداشت. این عامل با نام صداقت-فروتنی^۹، که با اصطلاحاتی چون صادق، منصف، فروتن و بی ادعا مشخص شده در پژوهش‌های واژگانی در زبان انگلیسی، لهستانی و دست کم ده زبان دیگر مشاهده شده است. بنابراین، نخستین تغییر در مدل پنج عاملی، افزایش عامل‌ها به عدد شش بود (اشتن، لی و دی وریس، ۲۰۱۴؛ لی و اشتن، ۲۰۰۸). تفاوت دیگر مربوط به محتوای عامل‌های همسازی و پایداری هیجانی^{۱۰} (معکوس نورزگرایی) است. در برخی پژوهش‌های انگلیسی، واژه‌های مربوط به حساسیت عمدتاً در عامل همسازی بار^{۱۱} داشتند و واژه‌های مربوط به صبر عمدتاً در عامل نورزگرایی بار داشتند. اما در چندین زبان دیگر، واژه‌های مربوط به صبر عمدتاً در عامل همسازی بار داشتند و واژه‌های مربوط به حساسیت عمدتاً در عامل نورزگرایی بار داشتند. عامل اخیر شامل حساسیت بود نه خشم^{۱۲}، از این رو فاقد دلالت ضمنی آسیب‌شناختی و نامطلوب برچسب نورزگرایی بود و به همین علت تهییج‌پذیری^{۱۳} نامیده شد. هم‌چنین صفت خشم جای

5. extraversion
6. neuroticism
7. conscientiousness
8. agreeableness
9. honesty-humility
10. emotional stability
11. loading
12. anger
13. emotionality

1. traits
2. Cattell, R. B.
3. Fiske, D. W.
4. openness to experience

دینر، ۲۰۰۹؛ دنیو و کوپر، ۱۹۹۸؛ ها و کیم، ۲۰۱۳؛ هسلیم، ولان و باستین، ۲۰۰۹). به علاوه، اکنون شواهد روز افزونی از نقش مثبت دینداری در شادی و کارکردهای مثبت روانی در دست است. دین از آغاز پیدایش علم روانشناسی با آن قرین بوده است. این تاریخچه با مناقشه‌ای پیرامون نقش دین در بهزیستی فرد و جامعه همراه بوده است. این بحث که تا به امروز ادامه داشته، بر حول این مساله است که آیا دین در سلامت روانشناختی سهیم است یا مانع آن می‌شود. نظریه جهت‌گیری دینی^۵ آلپورت مسیر مناسبی برای حل مناقشه یاد شده است. به گفته آلپورت، انگیزه‌های متفاوت برای دینداری نقش متفاوتی در سلامت روانی دارند (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). طبق مفهوم‌سازی آلپورت، جهت‌گیری دینی درونی^۶ نوعی از دینداری است که در آن، خود دین هدف است. فرد در این نوع دینداری، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی را درونی می‌کند. جهت‌گیری دینی برونی^۷ نوعی از دینداری است که در آن، دین دین وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف‌های دیگر مانند موقعیت اجتماعی (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). شایان ذکر است که در چهارچوب مدل پنج عاملی، همسازی و وظیفه‌شناسی مهمترین همبسته‌های دینداری‌اند (آقابائی، ۲۰۱۳؛ ساراگلو، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان مدل هگزاکو، دینداری و بهزیستی فاعلی در دو نمونه از جامعه ایرانی و لهستانی خواهیم پرداخت. بر اساس این‌که ده‌ها پژوهش، در چهارچوب سایر مدل‌های شخصیت مانند مدل آیسنک و مدل پنج عاملی، نشان داده‌اند که برون‌گرایی رابطه قوی با بهزیستی دارد، پیش‌بینی می‌شود در هر دو نمونه، عامل برون‌گرایی در مدل هگزاکو نیز رابطه‌ای قوی با بهزیستی داشته باشد. هم‌چنین با توجه به ماهیت و محتوای عامل صداقت- فروتنی پیش‌بینی می‌شود این عامل (همراه دو عامل همسازی و وظیفه‌شناسی) با دینداری رابطه مثبت داشته باشد.

اگرچه پژوهش‌های زیادی رابطه شخصیت با بهزیستی و رابطه شخصیت با دینداری را بررسی کرده‌اند (استیل و

خود را در عامل همسازی پیدا کرد و برخلاف مدل پنج عاملی، همسازی در برابر ناهمسازی^۱ نبود، بلکه همسازی در برابر خشم خشم قرار گرفت (اشتن و لی، ۲۰۰۷). بر اساس این یافته‌ها، مدل هگزاکو^۲ از ساختار شخصیت مفهوم‌بندی شد که این عامل‌ها را دربرمی‌گیرد: صداقت- فروتنی، تهییج‌پذیری، برون- گرایبی، همسازی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری. با وجود نام‌ها و محتوای مشترک هگزاکو با مدل پنج عاملی، عامل‌های هگزاکو با پنج عامل سنتی تفاوت‌هایی دارند. محتوای همسازی و پایداری هیجانی در پنج عامل، چرخش مجدد^۳ کرده است و در در عامل‌های صداقت- فروتنی، همسازی و تهییج‌پذیری پراکنده شده است. هم‌چنین عامل همسازی هگزاکو تا حدودی با محتوای تحریک‌پذیری و تندمزاجی مشخص می‌شود که معمولاً در عامل پایداری هیجانی پنج عاملی جای دارد (اشتن و لی، ۲۰۰۷؛ اشتن و همکاران، ۲۰۱۴؛ لی و اشتن، ۲۰۱۴). رابطه پنج عامل سنتی شخصیت با دامنه گسترده‌ای از متغیرها مطالعه شده است. در پژوهش پیش رو، به بررسی رابطه مدل شخصیتی هگزاکو با دو تا از این متغیرها یعنی دینداری و بهزیستی فاعلی^۴ خواهیم پرداخت.

پرداختن به پیامدها و پیش‌بینی‌های بهزیستی فاعلی یکی از کانون‌های توجه روانشناسان است (بامیستر، ووهس، اسکر و گاربینسکی، ۲۰۱۳). بهزیستی فاعلی اشاره دارد به ارزیابی عاطفی و شناختی افراد از زندگی‌شان، و شامل تجربه کردن هیجان‌های دل‌پذیر، رضایت زندگی بالا، و سطح پایین خلق منفی است (دینر، امونز، لارسن، و گریفن، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شخصیت، از نیرومندترین و پایدارترین متغیرها در تعیین بهزیستی فاعلی است (احدی، ۱۳۸۶؛ استیل، اشمیت و شولتز، ۲۰۰۸). شواهدی از رابطه ژنتیکی میان بهزیستی فاعلی و شخصیت هم‌ارایه شده است (وایس، بیتس و لوسانیو، ۲۰۰۸). در چهارچوب مدل آیسنک و پنج عاملی، برون‌گرایی و نوززگرایی مهم‌ترین نقش را به ترتیب در تعیین عاطفه مثبت و منفی دارند (استیل و همکاران، ۲۰۰۸؛ انگ و

1. disagreeableness
2. HEXACO
3. re-rotation
4. subjective well-being

5. religious orientation
6. intrinsic
7. extrinsic

همکاران، ۲۰۰۸؛ ساراگلو، ۲۰۱۰)، مطالعه همزمان این سه متغیر (یعنی شخصیت، بهزیستی فاعلی و دین) کمتر انجام گرفته است. بررسی همزمان این سه متغیر، روشن خواهد کرد که آیا رابطه دینداری با بهزیستی یگانه است یا متأثر از شخصیت. فرانسیس و لستر (۱۹۹۷) در دانشجویان امریکایی نشان دادند که پس از کنترل عامل‌های سه گانه آیسنک، دینداری توانست شادی را پیش‌بینی کند. اما مطالعه رابینز و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از مدل پنج عاملی این یافته را تکرار نکرد. از این رو، در این پژوهش به آزمودن این فرضیه می‌پردازیم که در مدل هگزاکو، برون‌گرایی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بهزیستی است. هم‌چنین به این پرسش می‌پردازیم که آیا پس از کنترل شخصیت، دینداری می‌تواند بهزیستی را پیش‌بینی کند یا خیر.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: پژوهش حاضر یک پژوهش مقطعی^۱ و از نوع همبستگی بود. نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی و در دسترس صورت گرفت. شرکت در پژوهش داوطلبانه و مطابق با قواعد اخلاق پژوهش بود. این پژوهش فاقد تعارض منافع بود. نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۲۲۴ دانشجوی ایرانی (شامل ۱۴۹ زن و ۷۵ مرد) از دانشگاه‌های تهران و شاهد و ۲۲۲ دانشجوی لهستانی (شامل ۱۷۲ زن، ۳۴ مرد و ۱۶ نفر بدون ذکر جنسیت) از دانشگاه کاتولیک جان پل دوم لوبلین در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ بود. یک نفر از شرکت‌کنندگان ایرانی زردشتی بود و بقیه مسلمان بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ایرانی ۲۲/۴۸ سال با دامنه ۱۸ تا ۳۸ سال بود. یک نفر از شرکت‌کنندگان لهستانی مسلمان بود و بقیه مسیحی بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان لهستانی ۲۱/۹۵ سال با دامنه ۱۹ تا ۴۷ سال بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه شخصیت هگزاکو (HEXACO-60): برای سنجش عامل‌های شش‌گانه هگزاکو از نسخه ۶۰ گویه‌ای

1. cross-sectional

2. HEXACO Personality Inventory (HEXACO)
3. sincerity
4. fairness
5. greed avoidance
6. modesty
7. sentimentality
8. fearfulness
9. dependence
10. anxiety
11. social self-esteem
12. social boldness
13. sociability
14. liveliness
15. forgiveness
16. gentleness
17. flexibility
18. patience
19. organization
20. diligence
21. perfectionism
22. prudence
23. aesthetic appreciation
24. inquisitiveness
25. creativity
26. unconventionality

۰/۹۴ گزارش شده است. پایایی بازآزمایی مقیاس با فاصله یک ماه برابر با ۰/۹۰ بدست آمده است (لیوبومرסקی و لپر، ۱۹۹۹). ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس برابر با ۰/۷۶ و همبستگی آن با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۴۳ تا ۰/۴۹ گزارش شده است (آقابابایی، فراهانی، رحیمی‌نژاد و فاضلی مهرآبادی، ۱۳۸۸). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پس از محاسبه میانگین برای این مقیاس، دامنه نمره مقیاس از ۱ تا ۷ خواهد بود.

مقیاس رضایت از زندگی (SLS): مقیاس رضایت از زندگی^۶ زندگی^۶ (دینر و همکاران، ۱۹۸۵) که دارای ۵ گویه و تک عاملی است برای سنجش بُعد شناختی بهزیستی فاعلی ساخته شده و از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی است. بیانی و همکاران (۱۳۸۶) این مقیاس را اعتباریابی کردند. این پژوهشگران پایایی مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی برابر با ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. در پژوهش جوکار (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۰ بدست آمده است. هم‌چنین همبستگی این مقیاس با اضطراب، افسردگی و پرسشنامه سلامت عمومی به ترتیب برابر با ۰/۳۱، ۰/۶۸- و ۰/۴۷- بدست آمده است که گویای روایی واگرایی آن است (آقابابایی و تبیک، ۲۰۱۳). برای سنجش بهزیستی فاعلی آزمون‌هایی مانند مقیاس شادی فاعلی و مقیاس رضایت از زندگی، از مناسب‌ترین مقیاس‌ها هستند؛ چرا که کوتاه، مبتنی بر نظریه و فارغ از فشار زمانی‌اند و ویژگی‌های روانسنجی خوبی دارند (کشدان، ۲۰۰۴). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پس از محاسبه میانگین برای این پرسشنامه، دامنه نمره پرسشنامه از ۱ تا ۵ خواهد بود.

یافته‌ها

جدول ۱ دو گروه را در متغیرهای پژوهش مقایسه می‌کند. دانشجویان ایرانی در صداقت- فروتنی، برون‌گرایی، همسازی، تجربه‌پذیری و دینداری نمره‌های بالاتری گزارش کردند. دانشجویان لهستانی در رضایت از زندگی نمره بالاتری گزارش

با پنج عامل بزرگ شخصیت تایید شده است (آقابابایی، ۲۰۱۲). نمره‌گذاری و پاسخ‌دهی به گویه‌ها، مطابق نسخه اصلی پرسشنامه (اشتن و لی، ۲۰۰۹) انجام گرفت. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پس از محاسبه میانگین برای هر عامل، دامنه نمره هر عامل از ۱ تا ۵ خواهد بود.

مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی (ROS-R): مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی^۱ (هیل، ۱۹۹۹)، که برگرفته از مقیاس آلپورت و راس (۱۹۶۷) است، دینداری را در چهارچوب سه عامل جهت‌گیری دینی درونی، برونی فردی^۲ و برونی اجتماعی^۳ می‌سنجد. پایایی این پرسشنامه مناسب و قابل قبول مقایسه با مقیاس اصلی است. این نسخه ۱۴ گویه‌ای، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد. نسخه فارسی این مقیاس را قربانی و همکاران (۲۰۰۲) طی روند استاندارد ترجمه و ترجمه برگردان تهیه کردند. همسانی درونی زیرمقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ در ایران از ۰/۶۵ تا ۰/۷۴ بدست آمد. همبستگی این مقیاس با مقیاس‌های جهت‌گیری دینی مسلمانان- مسیحیان^۴ در ایالات متحده و ایران حاکی از روایی همگرایی مقیاس است. هم‌چنین در پژوهشی جدید آلفای کرونباخ عامل‌های نسخه فارسی پرسشنامه از ۰/۷۵ تا ۰/۸۵ بدست آمده است (آقابابایی، ۲۰۱۳). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پس از محاسبه میانگین برای هر خرده مقیاس، دامنه نمره هر عامل از ۱ تا ۵ خواهد بود.

مقیاس شادی فاعلی (SHS): مقیاس شادی فاعلی^۵ (لیوبومرסקی و لپر، ۱۹۹۹) دارای ۴ گویه است. دو گویه نخست آن از پاسخ‌دهنده می‌خواهد شادی خود را به ترتیب به صورت مستقل و در مقایسه با همگنان خود درجه‌بندی کند. گویه‌های سه و چهار به ترتیب افراد شاد و غمگین را توصیف می‌کند و از پاسخ‌دهنده می‌پرسد که این اوصاف چه اندازه در مورد او درست‌اند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از ۰/۷۹ تا

1. Religious Orientation Scale-Revised (ROS-R)
2. extrinsic-personal
3. extrinsic-social
4. Muslim-Christian Religious Orientation Scales
5. Subjective Happiness Scale (SHS)

6. Satisfaction with Life Scale (SLS)

کردند. در تهیه پذیرایی، وظیفه‌شناسی و شادی تفاوت معنادار میان دو گروه مشاهده نشد.

جدول ۱

مقایسه دانشجویان ایرانی و لهستانی در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین (انحراف استاندارد)	
	دانشجویان لهستانی	دانشجویان ایرانی
صداقت- فروتنی	۳/۲۵ (۰/۵۹)	۳/۳۶ (۰/۵۳)
تهییج‌پذیری	۳/۳۴ (۰/۶۰)	۳/۳۰ (۰/۵۷)
برون‌گرایی	۳/۲۷ (۰/۵۳)	۳/۴۲ (۰/۵۹)
همسازی	۲/۹۳ (۰/۵۸)	۳/۲۷ (۰/۵۷)
وظیفه‌شناسی	۳/۳۹ (۰/۶۴)	۳/۳۲ (۰/۵۵)
تجربه‌پذیری	۳/۱۹ (۰/۵۹)	۳/۴۰ (۰/۵۶)
دینداری درونی	۳/۲۰ (۰/۸۱)	۳/۴۳ (۰/۷۱)
دینداری برونی فردی	۳/۳۰ (۰/۷۹)	۳/۷۷ (۱/۰۱)
دینداری برونی اجتماعی	۱/۹۸ (۰/۶۱)	۲/۳۲ (۱/۰۷)
رضایت از زندگی	۳/۳۱ (۰/۶۴)	۲/۹۷ (۰/۸۵)
شادی	۴/۶۶ (۰/۹۸)	۴/۶۰ (۱/۳۱)

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

جدول ۲ ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در هر دو گروه، صداقت- فروتنی با دینداری درونی رابطه مثبت داشت ولی با بهزیستی فاعلی نامرتبط بود. این عامل تنها در دانشجویان ایرانی با دینداری درونی فردی مرتبط بود. تهییج‌پذیری در هر دو گروه با بهزیستی فاعلی رابطه منفی داشت، گرچه تنها در دانشجویان ایرانی این رابطه معنادار بود. این عامل در دانشجویان لهستانی رابطه مثبتی با دینداری برونی داشت. برون‌گرایی در هر دو گروه رابطه نیرومندی با

جدول ۲

همبستگی‌های متقابل شخصیت، دینداری و بهزیستی فاعلی برای شرکت‌کنندگان ایرانی (پایین) و لهستانی (بالا)

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. صداقت-فروتنی	۱										
۲. تهییج‌پذیری	-۰/۰۴	۱									
۳. برون‌گرایی	۰/۰۲	-۰/۱۷**	۱								
۴. همسازی	۰/۲۸**	-۰/۲۰**	۰/۱۷**	۱							
۵. وظیفه‌شناسی	۰/۲۱**	-۰/۰۳	۰/۲۸**	۰/۱۸**	۱						
۶. تجربه‌پذیری	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۳۸**	-۰/۰۲	۰/۲۳**	۱					
۷. دینداری درونی	۰/۳۳**	-۰/۰۷	۰/۱۴*	۰/۱۵*	۰/۲۳**	۰/۰۷	۱				

ادامه جدول ۲

۰/۱۱	۰/۱۹**	۰/۱۶*	۱	۰/۵۴**	-۰/۰۴	۰/۲۴**	۰/۱۲	۰/۱۴*	۰/۰۳	۰/۲۶**	۸. دینداری برونی فردی
-۰/۰۵	۰/۰۶	۱	۰/۱۴*	۰/۳۲**	-۰/۱۰	-۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۰۶	-۰/۰۱	۹. دینداری برونی اجتماعی
۰/۶۵**	۱	۰/۱۵*	۰/۲۰**	۰/۱۹**	۰/۱۰	۰/۱۷**	۰/۲۵**	۰/۴۹**	-۰/۱۴*	۰/۰۹	۱۰. رضایت از زندگی
۱	۰/۶۰**	۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۱۶*	۰/۵۵**	-۰/۲۲**	-۰/۰۴	۱۱. شادی

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تحلیل شخصیت، دینداری توانست تنها مقدار اندکی بر قدرت رگرسیون نشان داد که برون‌گرایی نیرومندترین پیش‌بینی کننده بهزیستی فاعلی است. پس از کنترل

جدول ۳

خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی بهزیستی فاعلی بر پایه شخصیت و دینداری در دانشجویان ایرانی و لهستانی

متغیر	متغیر ملاک	شادی			رضایت از زندگی		
		دانشجویان ایرانی	دانشجویان لهستانی	دانشجویان ایرانی	دانشجویان لهستانی		
پیش‌بین		SE	B	β	SE	B	β
گام اول: صداقت- فروتنی		۰/۱۳	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۵
شخصیت	تهییج‌پذیری	۰/۱۲	-۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۰	-۰/۰۴	-۰/۰۲
	برون‌گرایی	۰/۱۳	۰/۴۵**	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۶۹	۰/۴۸**
	همسازی	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۲۵	۰/۱۶*
	وظیفه‌شناسی	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۱
	تجربه‌پذیری	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۰	-۰/۰۶	-۰/۰۶
گام دوم:	درونی	۰/۱۳	۰/۲۳**	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۴
دینداری	برونی فردی	۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۶
	برونی اجتماعی	۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۱۱

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

بحث

شبهه‌اند، گرچه یکسان نیستند (اشتن و همکاران، ۲۰۱۴). از این رو انتظار بود رابطه این سه عامل با متغیرهای دیگر، مشابه نتایج حاصل از مدل پنج عامل باشد. تهییج‌پذیری و همسازی تفاوت‌های آشکاری با پایداری هیجانی (معکوس نوزگرایی) و همسازی در مدل پنج عاملی دارند. اما به علت شباهت‌هایشان با آن دو عامل، انتظار بود نتایج تاحدودی مشابه به‌دست دهند. یافته‌های پژوهش حاضر این انتظارات را تایید کرد. در پژوهش حاضر، برون‌گرایی نیرومندترین همبسته و پیش‌بینی کننده بهزیستی فاعلی بود. این نتیجه با مفهوم‌سازی برون‌گرایی به‌عنوان عامل مرتبط با عاطفه مثبت همخوانی دارد. علاوه بر این، در هر دو گروه ایرانی و لهستانی، تهییج‌پذیری با

رویکرد صفات در روانشناسی علمی معاصر شکوفا شد و اکنون بر قلمرو مهم و گسترده‌ای از آن یعنی روانشناسی شخصیت حکمرانی می‌کند. در این میان، گرچه الگوی پنج عامل بزرگ با استقبال پژوهشگران مواجه شد، جامعیت آن همواره به چالش کشیده شده است. مدل شش عاملی هگزاکو که در این مقاله معرفی و مطالعه شد، به منزله گامی فراتر از مدل پنج عاملی قلمداد می‌شود. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، سه عامل برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری در مدل هگزاکو به سه عامل متناظرشان در مدل پنج عاملی بسیار

عملیاتی کردن دینداری و سلامت روانی. گفته شده است که نگرش و جهت‌گیری دینی (در مقایسه با اشتغال دینی^۲) نقش مهم‌تری در سلامت و بهزیستی دارد. نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های دینی، در مقایسه با جنبه‌های نسبتاً سطحی اشتغال دینی، نشان‌دهنده ویژگی‌های ریشه‌داری هستند که از عامل‌های بافتاری^۳ کمتر اثر می‌پذیرند و شاخص بهتری برای کارکرد عمومی فرد هستند (دزوتر، سوننز و هاتسبات، ۲۰۰۶).

بی‌شک، پایدارترین مفهوم دینی که در روانشناسی دین به کار رفته، جهت‌گیری دینی است. ویلیام جیمز^۴ دو نوع تجربه دینی را تشریح کرد که پایه مفهوم‌سازی‌های مدرن‌تر از جهت‌گیری دینی شد. آلپورت این دو نوع رفتار دینی را جهت‌گیری‌های دینی درونی و بیرونی نامید. جهت‌گیری دینی درونی، ایمان را اصل هدایتگر زندگی قلمداد می‌کند. افراد دارای این نوع دینداری اینگونه توصیف می‌شوند: پرهیزکار، ناخودخواه، نوع‌دوست و دارای تعهد فردی قوی. دینداری برونی به ایمان به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های زندگی می‌نگرد. افراد واجد دینداری برونی غالباً قوم‌مدار و سودگرا هستند و دیگران را از منظر اقتصادی و اجتماعی خود می‌نگرند (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). به گفته آلپورت انگیزش درونی دینی که تنها انگیزش درست دینی است در افراد، ثابت انگاشته می‌شود و پس از آسیب‌های مهم زندگی نیز پایدار می‌ماند. طبق الگوی آلپورت، بعد درونی باید پیش‌بینی بکند که افراد مطابق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد یا نه. آلپورت دینداری درونی را سالم‌تر از دینداری برونی قلمداد می‌کرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند دینداری درونی، بیش از دینداری برونی، با سازگاری و کارکردهای مثبت اجتماعی و روانی از جمله شادی همراه است (اسمیت، مکلاخ و پُل، ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر نیز رابطه بهزیستی فاعلی با دینداری درونی نسبتاً قوی‌تر بود. به هر رو، با فرض اینکه تنها دینداری درونی است که در سلامت و بهزیستی نقش مثبت دارد و نه مطلق دینداری؛ چگونگی، چرایی، عمومیت و شرایط تاثیر دینداری در این پیامدهای مثبت روانی روشن نیست. واریسی

بهزیستی فاعلی رابطه منفی ضعیفی داشت، گرچه این رابطه در بافت لهستانی معنادار نبود. تهییج‌پذیری (بر خلاف پایداری هیجانی و نورزگرایی) هم مشتمل بر ویژگی‌هایی است که از نظر اجتماعی پسندیده‌اند (مانند احساساتی بودن) هم ویژگی‌هایی که پسند جامعه نیستند (مانند اضطراب؛ اشتن و لی، ۲۰۰۷). از این رو، گرچه رابطه این عامل با بهزیستی فاعلی منفی بود، توان این رابطه به اندازه نتایج حاصل از پایداری هیجانی و نورزگرایی در مدل پنج عاملی و آیزنک نیست. دینداری نیز رابطه مثبت و ضعیفی با بهزیستی فاعلی داشت. رابطه دینداری با بهزیستی برای مردم و متخصصان سلامت روانی مهم است. مردم همه فرهنگ‌ها، بهزیستی فاعلی را مهم‌ترین عنصر زندگی‌شان گزارش می‌کنند و از همین رو است که روانشناسان می‌کوشند تا عامل‌های پرورش آن را شناسایی کنند (بامیستر و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش‌هایی از این دست نشان می‌دهد که دینداری احتمالاً نقش سازنده اما اندکی در تحصیل یک «زندگی خوب»^۱ (که مفهوم زیربنایی بهزیستی است) دارد. این یافته که دینداری توانست بر قدرت پیش‌بینی بهزیستی فاعلی توسط شخصیت، اندکی بیفزاید نشان می‌دهد که گرچه سهم دینداری (فراتر از شخصیت) در بهزیستی زیاد نیست اما معنادار است. استفاده از دیگر سازه‌های دینی در این معادله، ممکن است نتایج متفاوتی به دست بدهد (آقابابائی، ۲۰۱۳). دین از آغاز پیدایش علم روانشناسی با آن قرین بوده است. این تاریخچه با مناقشه‌ای پیرامون نقش دین در بهزیستی فرد و جامعه همراه بوده است. این بحث تا به امروز ادامه داشته است و بر حول این مساله می‌چرخد که آیا دین نقشی سازنده یا بازدارنده در سلامت روانشناختی دارد. فارغ از تنازعات نظری، پژوهش‌های تجربی رابطه بهزیستی را با گستره وسیعی از متغیرهای دینی بررسی کرده است. بیشتر پژوهش‌ها رابطه دینداری با رضایت از زندگی، شادی و حرمت خود را مثبت گزارش کرده‌اند. گرچه، برخی پژوهش‌ها رابطه معناداری نیافتند (مانند فرانسیس، الکن و رابینز، ۲۰۱۲) یا حتی رابطه منفی میان دینداری و بهزیستی به دست آورده‌اند (براون و تیرنی، ۲۰۰۹). چنین نتایج ناپایداری تابعی است از شیوه

2. religious involvement
3. contextual
4. William James

1. good life

و فروتنی متغیرهای اجتماعی مهمی هستند و برای اجتماع مفیدند (آقابائی، محمدتبار و صفاری‌نیا، ۲۰۱۴؛ لی و اشتن، ۲۰۱۲؛ مارکویتز، گلدبرگ، اشتن و لی، ۲۰۱۲)، احتمالاً نقش مثبتی در ایجاد احساس لذت در خود فرد ندارند. پژوهش‌های دیگری نیاز است تا روشن کنند آیا این رابطه در مورد سایر کارکردهای مثبت روانی همچون بهزیستی فضیلت‌گرا^۲ نیز صادق است یا خیر.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر این بود که در میان دانشجویان ایرانی عامل تجربه‌پذیری با هیچ‌یک از متغیرهای دینی رابطه نداشت اما این عامل در میان دانشجویان لهستانی با دینداری درونی رابطه مثبت داشت. چنین یافته‌ای نشان می‌دهد که رابطه دینداری- شخصیت احتمالاً تا اندازه‌ای فرهنگ- بسته است. در جوامع غیر دینی، روی آوردن به دین مستلزم غیرعرفی بودن، روشنفکری و پذیرا بودن ایده‌ها، افکار و تجربه‌های نو است.

پژوهش حاضر، ضمن معرفی مدل شخصیتی هگزاکو، کارایی این مدل را در پیش‌بینی تفاوت‌های فردی در دو زمینه مهم از زندگی انسان یعنی دینداری و بهزیستی برجسته ساخت. نمونه پژوهش حاضر به دانشجویان محدود شده است و سهم دو جنس مانع از بررسی نقش جنسیت در نتایج شد. شایان ذکر است که نمونه دانشجویی، گروه مناسبی برای مطالعه دیگر متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن را فراهم نمی‌آورد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده نقش جنس مطالعه شود و جامعه‌های دیگر بررسی شوند. هم‌چنین، رابطه مدل هگزاکو با سازه‌های دیگر در قلمروهای سلامت روانی و شخصیت مطالعه شود. به علت امتیازهای این مدل شخصیتی (اشتن و همکاران، ۲۰۱۴؛ اشتن و لی، ۲۰۰۷)، به پژوهشگران توصیه می‌شود تا استفاده از آن را به جای مدل پنج عاملی مدنظر قرار دهند.

متغیرهایی که بتوانند در این رابطه، نقش واسطه‌ای داشته باشند گامی رو به جلو در جهت تدوین مدلی برای تبیین اثربخشی دینداری در سلامت و بهزیستی فرد و جامعه است.

همبسته‌های شخصیتی دینداری دو جنبه از کارکردهای دین را برجسته می‌کند: ۱- ثبات شخصی ۲- رفاه دیگران و انسجام اجتماعی (ساراگلو، ۲۰۱۰). نخستین کارکرد مربوط است به وظیفه‌شناسی و کارکرد دوم با صداقت- فروتنی و همسازی ارتباط دارد. دو عامل اخیر، تفاوت‌های فردی را در دو جنبه از نوع‌دوستی متقابل^۱ ترسیم می‌کنند: گرایش به همکاری با فردی دیگر حتی الف) هنگامی که می‌توان از زیر آن شانه خالی کرد و ب) هنگامی که تضمینی برای مقابله به مثل وجود ندارد. اولی مربوط به صداقت- فروتنی است و دومی مربوط به همسازی (اشتن و لی، ۲۰۰۷؛ اشتن و همکاران، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در هر دو بافت مسلمان ایران و مسیحی لهستان، دینداری با دو عامل همسازی و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت دارد. هم‌چنین عامل صداقت- فروتنی از نیرومندترین همبسته‌های شخصیتی دینداری بود. صداقت و فروتنی از فضیلت‌های مورد توجه دین هستند. اسلام و مسیحیت بر فروتنی و به ویژه بر صادق بودن تاکید می‌کنند. مثلاً در اخلاق اسلامی، صدق شریف‌ترین صفت پسندیده و رهبر فضایل خوانده شده است. آیات و روایات بی‌شماری در مدح و فایده آن آمده است. فروتنی نیز از فضایل مربوط به قوه غضبیه است که در دین گرامی داشته شده است (آقابائی، ۱۳۹۱). از میان متغیرهای دینی، دینداری درونی قوی‌ترین همبسته عامل صداقت- فروتنی در هر دو بافت ایران و لهستان بود. به علت تاکید دین بر ویژگی‌هایی که در این عامل گرد آمده‌اند و با توجه به مفهوم‌بندی آلپورت، چنین یافته‌ای به منزله تایید اعتبار سازه هم برای نظریه آلپورت هم برای مدل هگزاکو قلمداد می‌شود. اما فقدان رابطه بین این عامل جدید با بهزیستی فاعلی نشان می‌دهد که گرچه صداقت

2. eudemonia

1. reciprocal altruism

مراجع

- بیانی، ع. ا.، کوچکی، ع. م.، و گودرزی، ح. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی. *روانشناسان ایرانی*، ۳، ۲۶۵-۲۵۹.
- پلاهنگ، ح.، نشاطدوست، ح.، و مولوی، ح. (۱۳۸۸). هنجاریابی پرسشنامه ۶ عاملی شخصیت HEXACO-PI-R در دانشجویان ایرانی. *مجله روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۱۶، ۶۶-۴۸.
- جوکار، ب. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۴، ۳۷-۳۱.
- آقابابائی، ن. (۱۳۹۱). رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین و بهزیستی فاعلی. *مجله روانشناسی و دین*، ۱۹، ۴۰-۲۵.
- آقابابائی، ن.، فراهانی، ح.، رحیمی‌نژاد، ع. و فاضلی مهرآبادی، ع. (۱۳۸۸). معنویت و احساس شخصی رواندستی در دانشجویان و طلاب. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۳۱، ۳۶۰-۳۷۲.
- احدی، ب. (۱۳۸۶). رابطه شخصیت و رضایت زناشویی. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۴، ۳۷-۳۱.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A short measure of the major dimensions of personality. *Journal of Personality Assessment*, 91, 340-345.
- Ashton, M. C., Lee, K., & de Vries, R. E. (2014). The HEXACO Honesty-Humility, Agreeableness, and Emotionality factors: A review of research and theory. *Personality and Social Psychology Review*, 18, 139-152.
- Baumeister, R. F., Vohs, K. D., Aaker, J. L., & Garbinsky, E. N. (2013). Some key differences between a happy life and a meaningful life. *The Journal of Positive Psychology*, 8, 505-516.
- Brown, P. H., & Tierney, B. (2009). Religion and subjective well-being among the elderly in China. *The Journal of Socio-Economics*, 38, 310-319.
- DeNeve, K. M., & Cooper, H. (1998). The happy personality: A meta-analysis of 137 personality traits and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 124, 197-229.
- Dezutter, J., Soenens, B., & Hutsebaut, D. (2006). Religiosity and mental health: A further exploration of the relative importance of religious behaviors vs. religious attitudes. *Personality and Individual Differences*, 40, 807-818.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71-75.
- Aghababaei, N. (2012). Religious, honest and humble: Looking for the religious person within the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 53, 880-883.
- Aghababaei, N. (2013). Between you and God, where is the general factor of personality? Exploring personality-religion relationships in a Muslim context. *Personality and Individual Differences*, 55, 196-198.
- Aghababaei, N., & Tabik, M. T. (2013). Gratitude and mental health: Differences between religious and general gratitude in a Muslim context. *Mental Health, Religion & Culture*, 16, 761-766.
- Aghababaei, N., Mohammadtabar, S., & Saffarinia, M. (2014). Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty-Humility in prosociality, religiosity, and happiness. *Personality and Individual Differences*, 67, 6-10.
- Allport, G. W., & Odbert, H. S. (1936). Trait-names: A psycho-lexical study. *Psychological Monographs*, 47, No.211, 1-171.
- Allport, G. W., & Ross, M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432-443.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). Empirical, theoretical, and practical advantages of the HEXACO model of personality structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11, 150-166.

References

- Francis, L. J., & Lester, D. (1997). Religion, personality and happiness. *Journal of Contemporary Religion, 12*, 81-86.
- Francis, L. J., Elken, A., & Robbins, M. (2012). The affective dimension of religion and personal happiness among students in Estonia. *Journal of Research on Christian Education, 21*, 84-90.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Gharamaleki, A. F., Morris, R. J., & Hood, R. W. (2002). Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States. *The International Journal for the Psychology of Religion, 12*, 69-91.
- Goldberg, L. R. (1995). What the hell took so long? Donald Fiske and the Big-Five factor structure. In P. E. Shrout & S. T. Fiske (Eds.), *Personality research, methods, and theory: A Festschrift honoring Donald W. Fiske* (pp. 29-43). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Ha, S. E., & Kim, S. (2013). Personality and subjective well-being: Evidence from South Korea. *Social Indicators Research, 111*, 341-359.
- Haslam, N., Whelan, J., & Bastian, B. (2009). Big Five traits mediate associations between values and subjective well-being. *Personality and Individual Differences, 46*, 40-42.
- Hill, P. C. (1999). Religious Orientation Scale-Revised (Gorsuch & McPherson, 1989). In P. C. Hill, & R. W. Hood, Jr. (Eds.), *Measures of religiosity* (pp. 154-156). Birmingham: Religious Education Press.
- John, O. P., Naumann, L. P., & Soto, C. J. (2008). Paradigm shift to the integrative Big Five trait taxonomy: History, measurement, and conceptual issues. In O. P. John, R. W. Robins, & L. A. Pervin (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (3rd ed., pp. 634-653). New York: The Guilford Press.
- Kashdan, T. B. (2004). The assessment of subjective well-being (Issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire). *Personality and Individual Differences, 36*, 1225-1232.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2008). The HEXACO personality factors in the indigenous personality lexicons of English and 11 other languages. *Journal of Personality, 76*, 1001-1053.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2014). The Dark Triad, the Big Five, and the HEXACO model. *Personality and Individual Differences, 67*, 2-5.
- Lee, K., & Ashton, M. C. (2012). Getting mad and getting even: Agreeableness and Honesty-Humility as predictors of revenge intentions. *Personality and Individual Differences, 52*, 596-600.
- Lyubomirsky, S., & Lepper, H. S. (1999). A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation. *Social Indicators Research, 46*, 137-156.
- Markowitz, E. M., Goldberg, L. R., Ashton, M. C., & Lee, K. (2012). Profiling the "proenvironmental individual": A personality perspective. *Journal of Personality, 80*, 81-111.
- Ng, W., & Diener, E. (2009). Personality differences in emotions: Does emotion regulation play a role? *Journal of Individual Differences, 30*, 100-106.
- Robbins, M., Francis, L. J., & Edwards, B. (2008). Prayer, personality and happiness: A study among undergraduate students in Wales. *Mental Health, Religion & Culture, 11*, 93-99.
- Saroglou, V. (2010). Religiousness as a cultural adaptation of basic traits: A Five-Factor model perspective. *Personality and Social Psychology Review, 14*, 108-125.
- Sillick, W. J., & Cathcart, S. (2014). The relationship between religious orientation and happiness: The mediating role of purpose in life. *Mental Health, Religion & Culture, 17*, 494-507.
- Smith, T. B., McCullough, M. E., & Poll, J. (2003). Religiousness and depression: Evidence for a main effect and the moderating influence of stressful life events. *Psychological Bulletin, 129*, 614-636.
- Steel, P., Schmidt, J., & Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being. *Psychological Bulletin, 34*, 138-161.
- Tupes, E. C., & Christal, R. C. (1961). *Recurrent personality factors based on trait ratings*. USAF ASD Technical Report, No. 61-97, U.S. Air Force, Lackland Air Force Base, TX.
- Veselka, L., Schermer, J. A., & Vernon, P. A. (2012). The Dark Triad and an expanded

- framework of personality. *Personality and Individual Differences*, 53, 417-425.
- Weiss, A., Bates, T. C., & Luciano, M. (2008). Happiness is a personal(ity) thing: The genetics of personality and well-being in a representative sample. *Psychological Science*, 19, 205-210.

Archive of SID